

پرسش ۳۸۱: دلیل مادی و علمی دعوت چیست؟

السؤال / ۳۸۱: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

ما هو دليلكم المادي والعلمي وإثباتكم العملية والعلمية بالنسبة للشخص البسيط الذي لا يستطيع أن يميز الصالح من الطالح؟ وفقنا الله وإياكم لخدمة المذهب الشريف.

المرسل: أحمد - مصر

سلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

دلیل مادی و علمی شما و اثبات عملی و علمی شما برای شخص ساده‌ای که نمی‌تواند «صالح» (نکوکار) را از «طالح» (بدکار) تشخیص دهد، چیست؟ خداوند ما و شما را در خدمت به مذهب شریف توفیق دهد.

فرستنده: احمد - مصر

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

لم توضح مرادك من الدليل المادي، فإذا كنت تقصد انطباق العلامات الجسمانية الواردة في الروايات على السيد أحمد الحسن (ع) فهي منطبقة جميعها كما يشهد بذلك الكثيرون الذين رأوه. أما إن كنت تقصد المعاجز والكرامات المادية فهي حاصلة أيضاً ويمكنك أن تطلع على بعضها في كتب الأخوة الأنصار ولاسيما كتاب (كرامات وغيبيات). أما الإثباتات العملية على صدق الدعوة المباركة فهي كثيرة نذكر منها أن الدعوة الشريفة هي الوحيدة في هذا العالم التي تدعو إلى حاكمية الله والتنصيب الإلهي للحاكم، وهي الوحيدة التي يلمس المؤمنون بها التوفيق الإلهي

من خلال الرؤى والكشوفات وتحقق علامات الظهور في الخارج. وهي الوحيدة التي لا تداهن في دين الله بينما الجميع الآن يداهنون الدجال الأمريكي، وهي الوحيدة التي اتخذت من القرآن ومعرفة علومه دليلاً ساطعاً، بل إنها الوحيدة أيضاً التي تدعو كل الديانات السماوية للحوار والمناظرة وكل بكتابه لمعرفة صاحب الحق، وهي الوحيدة التي تصر على أن الدليل هو الثقلان القرآن والعترة دون غيرهما من آراء الناس غير المعصومين.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آله الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

شما منظورتان از دلیل مادی را شرح نداده‌ای. اگر منظور شما انطباق نشانه‌های جسمانی وارد شده در روایات بر سید احمد الحسن (ع) باشد، تمام آنها بر ایشان منطبق است و بسیاری از کسانی که او را دیده‌اند بر این مطلب شهادت می‌دهند. اگر منظورتان، معجزه‌ها و کرامات مادی باشد، این نیز حاصل شده است و شما می‌توانید برخی از آنها را در کتاب‌های برادران انصار و به ویژه کتاب «کرامات و غیبات» مطالعه کنید. دلایل ثبوت علمی صدق دعوت مبارک، بسیار است و از آن جمله این که این دعوت شریف تنها فراخوانی در این عالم است که به حاکمیت خدا و تنصیب الهی برای حاکم دعوت می‌کند؛ و تنها دعوتی است که مؤمنان از خلال رؤیاهای و مکاشفات و تحقق علامت‌های ظهور در خارج، توفیق الهی را با آن لمس می‌کنند؛ و تنها دعوتی است که در دین الهی مداهنه و سازش روا نمی‌دارد و حال آن که اکنون همگان در حال سازش و کنار آمدن با آمریکای دجال هستند؛ و تنها دعوتی است که از قرآن و شناخت علوم آن دلایل تابناکی اتخاذ کرده و حتی تنها دعوتی است که تمام ادیان آسمانی -هر کس با کتاب خودش- را به گفت‌وگو و مناظره فرا خوانده است؛ و تنها

دعوتی است که اصرار دارد بر این که دلیل فقط ثقلین (قرآن و عترت) است نه چیز دیگری غیر از این؛ مانند آراء و نظرات مردم غیر معصوم.

أما الدليل العلمي المبسط الذي طلبته فيكفيك أن تعلم أن السيد أحمد الحسن (ع) قد نصت عليه وصية رسول الله (ص) ليلة وفاته فيمن نصت عليه من أوصياء فهو (ع) وصي الإمام المهدي، ولعلك تستطيع الإطلاع على كتب الإخوة الأنصار لتعلم بالدليل القاطع أن وصية رسول الله (ص) لا يمكن أن يدعيها إلا صاحبها، والوصية تمثل الحلقة الأولى من قانون معرفة الحجة الذي نصت عليه آيات الكتاب الحكيم وروايات آل محمد (ع)، والحلقتان الأخريتان هما العلم وحاكمية الله وقد تحدث عنهما.

در خصوص دلیل علمی ساده‌ای که مطالبه کرده‌ای، شما را همین بس که بدانی وصیت پیامبر خدا (ص) در شب وفاتش، بر سید احمد الحسن (ع) صراحت دارد؛ وصیتی که با عنوان وصی امام مهدی (ع) از اوصیایش به صراحت به او اشاره می‌نماید. می‌توانی با مطالعه‌ی کتاب‌های برادران انصار با دلیل قاطع دریابی که وصیت پیامبر خدا (ص) را کسی جز صاحبش نمی‌تواند ادعا کند. وصیت، نخستین حلقه از قانون شناخت حجتی است که آيات کتاب حکيم و روايات آل محمد (ص) بر او تنصيص دارد. دو حلقه‌ی دیگر عبارتند از علم و حاکمیت خدا، که بیشتر در این خصوص سخن گفته‌ام.

سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) بِأَيِّ شَيْءٍ يُعْرِفُ الْإِمَامَ؟ قَالَ: (بِالْوَصِيَّةِ الظَّاهِرَةِ وَبِالْفَضْلِ، إِنَّ الْإِمَامَ لَا يَسْتَطِيعُ أَحَدٌ أَنْ يَطْعَنَ عَلَيْهِ فِي فَمٍ وَلَا بَطْنٍ وَلَا فَرْجٍ فَيُقَالُ: كَذَابٌ وَيَأْكُلُ أَمْوَالَ النَّاسِ وَمَا أَشْبَهَ هَذَا) [332].

از امام صادق (ع) سؤال شد امام چگونه و با چه چیزی شناخته می‌شود؟ فرمود: «با وصیت ظاهره و به فضیلت، هیچ کس نمی‌تواند نسبت به امام درباره‌ی دهان و شکم و

عورت طعنی بزند، به این که بگوید او دروغ گو است و مال مردم را می خورد و مانند اینها».[333]

و عن أحمد بن أبي نصر، قال: (قلت لأبي الحسن الرضا (ع): إذا مات الإمام بم يُعرف الذي بعده؟ فقال: للإمام علامات منها: أن يكون أكبر ولد أبيه، ويكون فيه الفضل والوصية...)[334].

احمد بن ابونصر می گوید: به امام ابوالحسن الرضا (ع) عرض کردم چون امام بمیرد، امام پس از وی به چه دلیل و علامتی شناخته می شود؟ فرمود: «امام را علاماتی است، از جمله ی آنها این است که بزرگترین فرزند پدرش می باشد و دارای فضیلت و وصیت است...».[335]

و عن عبد الأعلى، قال: قلت لأبي عبد الله (ع): (المتوثب على هذا الأمر المدعي له، ما الحجة عليه؟ قال: يُسأل عن الحلال والحرام، قال: ثم أقبل عليّ فقال: ثلاثة من الحجة لم تجتمع في أحد إلا كان صاحب هذا الأمر: أن يكون أولى الناس بمن كان قبله، ويكون عنده السلاح، ويكون صاحب الوصية الظاهرة...)[336].

عبد الاعلی می گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: کسی که منصب امامت را غصب کرده است و به ناحق ادعا می کند، چه دلیلی بر ردّ او وجود دارد؟ فرمود: «راجع به حلال و حرام از او بپرسند» سپس به من رو کرد و فرمود: «سه دلیل هست که جز در صاحب امر امامت در کس دیگری جمع نشود: سزاوارترین مردم است نسبت به امام قبل از خود، و سلاح نزد او است، و وصیت امام سابق درباره ی او مشهور است...».[337]

عن أحمد بن عمر، عن الرضا (ع)، قال: (سألته عن الدلالة على صاحب الأمر، فقال: الدلالة عليه: الكبر والفضل والوصية ...) ([338]).

عن أحمد بن عمر، عن الرضا، قال: أحمد بن عمر نقل کرده است که به امام رضا (ع) عرض کردم: از ایشان درباره‌ی دلالت صاحب امر سؤال کردم. ایشان (ع) فرمود: «دلالت بر او: بزرگی، فضل و وصیت...» ([339]).

وعن أبي بصير، قال: (قلت لأبي الحسن (ع): جعلت فداك بم يُعرف الإمام؟ قال: فقال: بخصال؛ أما أولها فإنه بشيء قد تقدم من أبيه فيه بإشارة إليه لتكون عليهم حجة ...) ([340]).

ابوبصیر می‌گوید: به حضرت ابوالحسن (ع) عرض کردم: قربانت گردم! امام به چه نشانه‌ای شناخته می‌شود؟ فرمود: «به چند خصلت: اول با چیزی که از پدر درباره‌ی او اشاره دارد تا دلیل امامتش باشد...» ([341]).

وعن الحارث بن المغيرة النضري، قال: (قلنا لأبي عبد الله (ع): بما يعرف صاحب هذا الأمر؟ قال: بالسكينة والوقار والعلم والوصية) ([342]).

حارث بن مغیره‌ی نضری می‌گوید: به امام ابوعبدالله (ع) عرض کردیم: صاحب امر به چه چیزی شناخته می‌شود؟ حضرت فرمود: «به سکینه و وقار و علم و وصیت...» ([343]).

وسأُنقل لك الآن وصية رسول الله (ص): (قال رسول الله (ص) في الليلة التي كانت فيها وفاته لعلي (ع): يا أبا الحسن أحضر صحيفة ودواة، فأملا رسول الله (ص) وصيته حتى انتهى إلى هذا الموضع فقال: يا علي، إنه سيكون بعدي إثنا عشر إماماً ومن بعدهم إثنا عشر مهدياً، فأنت يا علي أول الإثني عشر إماماً، سمّاك الله تعالى في سمائه علياً

المرتضى وأمير المؤمنين والصدیق الأكبر والفاروق الأعظم والمأمون
والمهدي فلا تصح هذه الأسماء لأحد غیرك.

حال وصیت رسول خدا (ص) در شب وفاتش را برای شما نقل می‌کنم:

«پیامبر خدا(ص) در شبی که وفاتش بود به علی(ع) فرمود: یا اباالحسن، صحیفه و
دواتی حاضر کن. پیامبر خدا(ص) وصیتش را املا فرمود تا به این جا رسید که فرمود:
یا علی پس از من دوازده امام خواهند بود و پس از آنها دوازده مهدی، و تو ای علی،
نخستین دوازده امامی که خداوند تو را در آسمان، علی مرتضی و امیرالمؤمنین و صدیق
اکبر و فاروق اعظم و مأمون و مهدی نامید و این اسامی جز برای تو شایسته نیست.

یا علی، أنت وصيي علی أهل بيتي حيّهم وميتهم وعلی نسائي فمن
ثبتها لقيتني غداً ومن طلقها فأنا برئ منها لم ترني ولم أرها في عرصة
القيامة، وأنت خليفتي علی أمتي من بعدي فإذا حضرتك الوفاة فليسلمها
إلى ابني الحسن البر الوصول، فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابني
الحسين الشهيد الزكي المقتول، فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابني
سيد العابدين ذي الثغفات علي، فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابني
محمد الباقر، فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابني جعفر الصادق، فإذا
حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابني موسى الكاظم، فإذا حضرته الوفاة
فليسلمها إلى ابني علي الرضا، فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابني
محمد الثقة التقي، فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابني علي الناصح،
فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابني الحسن الفاضل، فإذا حضرته الوفاة
فليسلمها إلى ابني محمد المستحفظ من آل محمد، فذلك اثنا عشر إماماً، ثم
يكون من بعده اثنا عشر مهدياً، فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابني أول
المقربين (المهديين) له ثلاثة أسامي أسم كاسمي وأسم أبي وهو عبد الله
وأحمد، والاسم الثالث المهدي وهو أول المؤمنين([344]).

ای علی! تو وصی من بر اهل بیتم چه زنده و چه مرده‌ی ایشان و نیز وصی بر زنانم
هستی، هر يك را که تو به همسری من باقی گذاری، فردای قیامت مرا دیدار کند و هر

يك را كه تو طلاق بدهی، من از وی بیزارم و مرا نخواهد دید و من نیز او را در صحرای محشر نخواهم دید. تو پس از من، خلیفه و جانشین من بر امتم هستی. هرگاه وفات رسید، خلافت را به فرزندم حسن واگذار کن که نیکوکار و متصل به حق است. هرگاه وفاتش رسد، باید خلافت را به پسر من حسین پاک شهید مقتول بسپارد و هرگاه وفاتش رسد، باید خلافت را به پسرش زین العابدین، ذی الثغفات (دارای پینه‌ها بر اثر سجده‌های فراوان) بسپارد و وقتی وفاتش رسید، خلافت را به پسرش محمد باقر بسپارد و وقتی وفات او رسید، خلافت را به پسرش، جعفر صادق بسپارد و وقتی وفاتش رسید، خلافت را به پسرش موسی کاظم بسپارد و وقتی وفات او رسید، خلافت را به پسرش علی رضا بسپارد و وقتی وفات او رسید، خلافت را به پسرش علی ناصح بسپارد و چون وفاتش رسید، خلافت را به پسرش حسن فاضل بسپارد و چون وفاتش رسید، خلافت را به پسرش محمد که حافظ دین آل محمد (ع) است بسپارد. اینان، دوازده امامند و پس از آنان دوازده مهدی هستند. پس هرگاه وفاتش (مهدی (ع)) رسد، باید امر خلافت را به پسرش، اولین مقربین (اولین مهدیین) بسپارد که برای او سه نام است: اسمی مانند اسم من و اسم پدرم عبد الله و احمد و اسم سوم مهدی است که او، اولین مؤمنان است» ([345]).

ولعل من المفید الآن التذکیر بأن الوصیة لا یدعیها غیر صاحبها، فعن محمد بن الفضل، عن الرضا (ع): (في حديث طويل إنه حضر في البصرة في مجلس عظیم فيه جماعة من العلماء وفيه جاثليق النصارى ورأس الجالوت، فالتفت الرضا (ع) إلى الجاثليق وقال: هل دل الإنجيل على نبوة محمد (ص)؟ قال: لو دل الإنجيل على ذلك لما جحدناه، فقال (ع): أخبرني عن السكته التي لكم في السفر الثالث، فقال الجاثليق: اسم من أسماء الله لا يجوز لنا أن نظهره.

یادآور می‌شوم که وصیت را جز صاحبش، کسی نمی‌تواند ادعا کند. از محمد بن فضل از امام رضا (ع) نقل شده است: «حضرت (ع) در بصره در مجلس بزرگی از علما که در میان آنها جاثلیق نصاری و راس جالوت بودند، حاضر شد. امام رضا (ع) رو به جاثلیق کردند و فرمود: آیا انجیل بر نبوت محمد (ص) دلالتی نیاورده است؟ جاثلیق گفت: اگر دلالت می‌آورد ما منکر آن نمی‌شدیم. حضرت فرمود: از السکته در سفر سوم که شما می‌دانی مرا خبر ده. جاثلیق گفت: نامی از نام‌های خدا می‌باشد و برای ما جایز نیست آن را آشکار کنیم.

قال الرضا (ع): فَإِنْ أَقْرَرْتُكَ إِنَّهُ اسْمُ مُحَمَّدٍ ... (وبعد أن ذكر الإمام (ع) ما جاء في الإنجيل والتوراة من ذكر للرسول (ص)، أي ذكره لوصية موسى وعيسى (عليهما السلام) بمحمد (ص)) قالوا - أي الجاثليق ورأس الجالوت -: والله لقد أتى بما لا يمكننا رده ولا دفعه إلا بجحود الإنجيل والتوراة والزبور، وقد بشر به موسى وعيسى عليهما السلام جميعاً، ولكن لم يتقرر عندنا بالصحة إنه محمد هذا، فأما اسمه محمد فلا يصح لنا أن نقر لكم بنبوته ونحن شاكون إنه محمدكم. فقال الرضا (ع): احتجتم بالشك، فهل بعث الله من قبل أو من بعد، من آدم إلى يومنا هذا نبياً اسمه محمد؟ فأجتموا عن جوابه... الخ) ([346]).

امام رضا (ع) فرمود: اگر از شما اقرار گرفتیم که این، نام محمد است... (و پس از آن که امام (ع) آن چه را که در انجیل و تورات درباره‌ی حضرت رسول (ص) آمده بیان نمود) آن دو - یعنی جاثلیق و راس جالوت - گفتند: به خدا سوگند او چیزهایی بر ما عرضه کرد که امکان رد کردن یا پاسخ دادن به آن وجود نداشت مگر با انکار و رد انجیل و تورات و زبور، موسی و عیسی (ع) همگی به او اقرار کردند ولی ما نمی‌توانیم به صحت آن اقرار کنیم که این محمد شما همان محمد مذکور در کتاب‌ها است؛ ما نمی‌توانیم این گونه اقرار کنیم و شک داریم که این محمد شما همان محمد است.

«حضرت فرمودند: با شک و تردید بر من احتجاج کردید. آیا خداوند از قبل یا بعد، از آدم تا این لحظه پیامبری را مبعوث کرده است که نامش محمد باشد؟ پس در پاسخ درماندند.... الخ».[347]

الشاهد في هذه الرواية هو أن الإمام الرضا (ع) يحتج على صدق نبوة الرسول الكريم(ص) بما ورد في التوراة والإنجيل من ذكر أو وصية به(ص)، فيعترف الجاثليق ورأس الجالوت بورود اسم الرسول(ص)، ولكنهما يشككان بأن يكون صاحب الاسم هو نفسه رسول الله(ص) وليس غيره، فيجيبهما الإمام (ع): احتجتم بالشك، فهل بعث الله من قبل أو من بعد، من آدم إلى يومنا هذا نبياً اسمه محمد؟

شاهد در این روایت آن است که امام رضا (ع) بر صدق نبوت پیامبر اکرم (ص)، با آنچه در تورات و انجیل آمده از قبیل ذکر یا وصیت به او، احتجاج می کند. جاثلیق و راس الجالوت به ورود اسم پیامبر (ص) اعتراف می کنند ولی در این که صاحب این نام همان پیامبر خدا (ص) است و نه دیگری، شبهه مطرح می نمایند امام هم به آنها پاسخ می دهد: «با شک و تردید بر من احتجاج کردید. آیا خداوند قبل از و بعد از خلقت آدم تا این لحظه پیامبری را مبعوث کرده است که نامش محمد باشد؟!».

وأنا أقول لكم: هل ادعى أحد قبل السيد أحمد (ع) إنه ابن الإمام المهدي (ع) ووصيه، واحتج عليكم بوصية رسول الله(ص) كما احتج الإمام الرضا (ع) على نبوة الرسول(ص) بوصية موسى وعيسى به؟ هذا التاريخ بين يديكم فقلبوا صفحاته إن شئتم، ووالله لن تجدوا من ادعى هذا الأمر قبله، فإذا كنتم تقبلون احتجاج الرضا (ع) فعليكم قبول احتجاج السيد أحمد (ع) بالوصية.

من به شما می‌گوییم: آیا قبل از سید احمد (ع) کسی ادعا کرده است که وی فرزند امام مهدی (ع) و وصی او می‌باشد و با وصیت پیامبر خدا (ص) بر شما احتجاج کرده است، همان‌طور که امام رضا (ع) بر نبوت پیامبر (ص) با وصیت موسی و عیسی درباره‌ی او محاجه نموده است؟ تاریخ پیش روی شما است، اگر می‌خواهید صفحات آن را ورق بزنید. به خدا سوگند کسی را نخواهید یافت که این موضوع را قبل از ایشان مدعی شده باشد. اگر احتجاج امام رضا (ع) را قبول می‌کنید، بر شما است که احتجاج سید احمد الحسن (ع) به وصیت را نیز پذیرا باشید.

وينبغي أن تعلم أن أدلة السيد أحمد الحسن (ع) لا تقف عند هذا الحد، فهي أكثر بكثير من أن تحصى في هذه العجالة ولكن لا بأس بذكر أنه (ع) مؤيد بملكوت السماء من خلال الرؤى والكشوفات، وأنه (ع) قد تحدى علماء كل الديانات الإلهية للمباهلة ولقسم البراءة. وعلى أي حال يمكنك أن تتوجه لله جل وعلا لطلب رؤيا صادقة وبقلب سليم عسى أن يرزقك الله تعالى رؤيا سالحة.

البته شما باید بدانید که ادله‌ی سید احمد الحسن (ع) در همین حد متوقف نمی‌شود، بلکه این ادله بسیار بیشتر از آن است که در این مختصر به شماره آید، ولی یادآوری این مطلب بد نیست که ایشان از طریق رؤیایها و مکاشفات، مؤید به ملکوت آسمان‌ها است و ایشان علمای تمام ادیان الهی را به مباهله و قسم برائت، تحدى نموده است. به هر حال شما می‌توانی با قلب سلیم، در طلب رؤیای صادق به خداوند جل و علا روی آوری، شاید که خدای تعالی رؤیای صالحه‌ای نصیب‌تان گرداند.

ختاماً أرى من الضروري بالنسبة لكل طالب حق أن يرجع لكتب الأخوة الأنصار ليتبين بدقة وتفصيل كل ما ذكرته لك ويتعرف على الدليل

الشرعي والبرهان الساطع على كل نقطة من النقاط المذكورة ومن الله التوفيق.

اللجنة العلمية - أنصار الإمام المهدي (مکن الله له في الأرض)
الاستاذ رزاق الانصاري - شعبان الخير / 1430 هـ ق

در پایان برای تمام طالبان حق و حقیقت ضروری می بینم که به کتابهای برادران انصار مراجعه کنند تا تمام آنچه برای شما بیان داشتیم با دقت و به طور مبسوط برایشان روشن شود و آنها با دلیل شرعی و برهان ساطع با تمام نکات از نکات گفته شده آشنا گردند. و من الله التوفيق.

هیأت علمی - انصار امام مهدی (ع) (خداوند در زمین تمکینش دهد)
استاد رزاق الانصاری - شعبان الخير 1430 هـ ق



[332] - الكافي: ج 1 ص 314 - 315.

[333] - كافي: ج 1 ص 314 و 315.

[334] - الكافي: ج 1 ص 314.

[335] - كافي: ج 1 ص 314.

[336] - الكافي: ج 1 ص 314.

[337] - كافي: ج 1 ص 314.

[338] - الكافي: ج 1 ص 315.

[339] - كافي: ج 1 ص 315.

[340] - الكافي: ج 1 ص 315.

[341] - كافي: ج 1 ص 315.

[\[342\]](#) - بحار الانوار: ج 52 ص 183.

[\[343\]](#) - بحار الانوار: ج 52 ص 183.

[\[344\]](#) - الغيبة - الطوسي: ص 150.

[\[345\]](#) - غيبت طوسي: ص 150.

[\[346\]](#) - إثبات الهداة: ص 194 - 195.

[\[347\]](#) - بحار الانوار: ج 49 ص 75.